

پذیرش ادبی گوستاو فلور در ایران

محمدرضا فارسیان (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

farsian@um.ac.ir

مهشید جعفرزاده باکویی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

Mahshidjafarzadeh8@gmail.com

چکیده

گوستاو فلور، پایه گذار مکتب رئالیسم و جزو نخستین نگارندگان رمان مدرن به شمار می آید. او علاوه بر دقت و وسواس بی حد در گزینش جملات که سبک نگارش وی را از دیگر نویسندگان متمایز می کند، نگاهی روان کاوانه به مسائل و دردهای اجتماعی دارد. شاهکار او رمان مادام بواری است که تأثیر بسزایی بر نگارش بسیاری از رمان های بزرگ جهان داشته است. با وجود اینکه برخی از آثار وی توسط مترجمان بنام به فارسی ترجمه شده اند اما مترجمان دیگری نیز، دست به ترجمه دوباره و چندباره این آثار زده اند که این مسئله خود به نوعی گواه اهمیت و حضور این نویسنده و آثار وی در ادبیات فارسی است. این مقاله خواهد کوشید تا به بررسی جایگاه این نویسنده، آثار وی و میزان تأثیرگذاری او بر نویسندگان ایرانی و سیر داستان نویسی فارسی بپردازد.

کلیدواژه ها: ادبیات تطبیقی، پذیرش ادبی، گوستاو فلور، رمان، رئالیسم، ترجمه.

مقدمه

بیان مسئله

گوستاو فلور پایه گذار مکتب رئالیسم و جزو نخستین نگارندگان رمان مدرن به شمار می آید. درون مایه اغلب آثار این نویسنده رئالیست، اجتماعی و سیاسی است. سبک واقع گرایانه، آرایه های ادبی، ساختار غنی جملات و تحلیل های روان شناختی عمیق که به کمک آن، فلور آثارش را باورپذیرتر می کند از جمله خصیصه های داستان نویسی اوست. اندیشه های عمیق فلور سال ها بعد بر دامنه تفکر و جهان بینی نویسندگان بزرگ دیگر و سبک نگارش آن ها تأثیر گذاشت. قریب به اکثر آثار وی با سبکی محکم و زبانی فاخر نوشته شده است.

علی‌رغم این که فلوبر یکی از نویسندگان بزرگ جهان است، آثارش بسیار دیر هنگام به فارسی ترجمه شد که البته توجه به چرایی این مسئله نیز می‌تواند بسیار سودمند باشد. این نکته قابل توجه است که هر یک از مترجمان آثار فلوبر سبک خاص خود را در ترجمه آثار وی دارند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در این مقاله، در ابتدا به معرفی فلوبر، مکتب رئالیسم و تأثیرات آن بر ادبیات فارسی می‌پردازیم. تأثیر شرق بر فلوبر و تکنیک‌های نویسندگی وی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از آن، تاریخچه ترجمه آثار ادبیات خارجی، سیر تحول آن و عوامل دخیل در ترجمه را بیان می‌نماییم و در پایان، ترجمه آثار فلوبر توسط مترجمان مختلف را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در این پژوهش سعی بر آن شده است که ترجمه تمام آثار فلوبر به صورت یکجا جمع‌آوری و تا حد ممکن بررسی گردد.

پیشینه تحقیق

شکی نیست که پژوهش‌های بی‌شماری در مورد گوستاو فلوبر و آثارش انجام شده است. نگارندگان در این نوشتار سعی بر آن داشته‌اند که علاوه بر کتب معتبر در این زمینه از مجموعه مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته شده در این حوزه نیز استفاده کنند. ترجمه‌های مختلف آثار فلوبر که بعضاً تا ۱۰ ترجمه از یک رمان وی بوده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین از کتاب *رمان تاریخی اثر گئورگ لوکاکچ* و از کتاب‌های فرانسه زبان با هدف جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

بحث

گوستاو فلوبر در ۱۲ دسامبر ۱۸۲۱ و در شهر روآن (Rouen) به دنیا آمد. پدرش پزشک و سر جراح سرشناس بیمارستان این شهر بود. او از همان جوانی و از دوران دبیرستان عاشق ادبیات شد و دست به قلم برد و آثاری را به رشته تحریر در آورد که خمیرمایه داستان‌های آینده‌اش شد. این نوشته‌ها اغلب داستان‌هایی خیالی با درون‌مایه اتوبیوگرافی (خودزندگینامه) بود. برای مثال می‌توان به اسمار (Smarh) (۱۸۳۹) اشاره کرد (لاگار و میشار، ۱۹۶۵: ۴۵۵).

علاقه او به تاریخ‌نویسی در دبیرستان و تحت تأثیر معلمش به وجود آمد. پس از اتمام دبیرستان و در ۱۸ سالگی برای تحصیل علم حقوق به پاریس رفت. خسته از شلوغی پاریس، دلش شدیداً در هوای طبیعت زیبای زادگاهش می‌تپید. مرگ پدر تأثیر زیادی به روی او گذاشت و باعث شد که وی درس را نیمه‌کاره رها کند و به نزد مادر به روان باز گردد. مرگ پدر و خواهرش و عشق آتشین اما بی حاصل خانم الیزا شلزینگر (*Elisa Schlésinger*) داغی بر دلش گذاشت که تا آخر عمر فراموش نکرد. از همین روی رمان‌هایش آینه زندگی‌اش بود. الیزا شلزینگر الهام‌بخش آثاری هم چون *خاطرات یک دیوانه (Mémoires d'un Fou)* (که عشقی عرفانی را به تصویر می‌کشد)، *نوامبر (Novembre)* (که عشقی زمینی و جسمانی را روایت می‌کند) و *تربیت احساسات (L'Éducation sentimentale)* بود. (همان ۴۵۵) ابتذال و پیش‌پافتادگی زندگی که مضمون بارز تمامی آثار وی است به‌نوعی تجربه‌ای از همین دوران زندگی اوست و او بر این اعتقاد بود که تنها هنر اجازه‌رهایی از ناامیدی را می‌دهد. (اشلاق، ۱۳۸۱: ۱۲۱) او که همواره نگاهی پراز کینه و نفرت به قشر بورژوا داشت، سرانجام با شخصیت هومه (*Homais*) در *مادام بواری (Madame Bovary)* به تیپ بورژوا حمله می‌کند.

فلوربر در آخر عمر از بیماری عصبی شدیدی رنج می‌برد که حاصل دوستی او با ماکزیم دو کمپ (*Maxime du Camp*) بود و این بیماری باعث خانه‌نشینی و انزوای وی گردید. او در ۸ می سال ۱۸۸۰ در شهر کرواسه (*Croisset*) و در ۵۹ سالگی از دنیا رفت.

مجموعه آثار وی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته اول، دوران باستان است که *سالامبو (Salammbô)* و *هرودیا (Hérodias)* بازگوکننده آن هستند. دسته دوم آثار هنری، مانند *افسانه سنت ژولین تیمارگر پاک (La légende de Saint Julien l'Hospitalier)* و دسته سوم آثار خیالی که برای مثال می‌توان *وسوسه سنت آنتوان (La Tentation de Saint Antoine)* را در این دسته جا داد. در نگاه اول نوعی تضاد در تمامی آثار فلوربر مشهود است. از یک سو رمان‌های رئالیست که حزن آلود است و از سوی دیگر آثار خیالی با انبوهی از بینش‌های رنگارنگ؛ اما در پس این آثار به نظر متفاوت یک وجه مشترک دیده می‌شود و آن زیبایی هنر است که غم زندگی را دور می‌کند. (همان ۱۲۲)

فلوبر با چنان نگاه ریز بینانه ای تمام شخصیت‌ها و خصوصیات آن‌ها را تشریح کرده که هر یک از آنان اعم از قهرمان اصلی یا شخصیت‌های فرعی داستان، هر یک به‌تنهایی قابل نقد هستند و هیچ‌یک از آنان حتی اشخاص فرعی داستان نیز نادیده گرفته نشده‌اند. دقت فراوان فلوبر در انتخاب کلمات و آرایه‌های ادبی منحصر به فرد است. وسواس وی به اندازه‌ای بود که روزها فقط صرف نوشتن یک صفحه می‌کرد و شاید از همین روی، آثار کمی را به رشته تحریر در آورد.

ژان پل سارتر (Jean-Paul Sartre) و مارسل پروست (Marcel Proust) از منتقدان مهم فلوبر به شمار می‌آیند. ژان پل سارتر نویسنده بزرگ قرن ۲۰ دست به قلم برد و در سال ۱۹۷۲ کتابی با عنوان *احمق خانواده (Idiot de la famille)* راجع به فلوبر نوشت که در آن به‌طور مفصل به فلوبر و بررسی آثار او می‌پردازد. (کهنمویی پور و خطاط، ۱۳۷۴: ۱۰۴)

رنالیسم

رنالیسم یا مکتب واقع‌گرایی در قرن ۱۹ در فرانسه به وجود آمد. شامفلوری (Champfleury) با نگارش کتاب *رنالیسم (Le Réalisme)* (۱۸۵۷) نخستین صاحب نظر این نهضت به شمار می‌رود. (برونل، ۱۳۸۵: ۲۰۲) اما بزرگ‌ترین نویسنده رنالیست، گوستاو فلوبر و شاهکار او *مادام بواری* است. (سیدحسینی، ۱۳۵۷: ۱۵۹)

رنالیسم مکتبی عینی و برونی است. نویسنده رنالیست هنگام آفرینش اثر بیش‌تر تماشاگر است و افکار و احساسات خود را در جریان داستان ظاهر نمی‌سازد. (همان ۱۶۸) "نویسنده رنالیست به‌هیچ‌وجه لزومی نمی‌بیند که فرد مشخص یا غیرعادی را که با اشخاص معمولی فرق دارد به‌عنوان قهرمان داستان خود انتخاب کند. او قهرمان خود را از میان مردم و از محیطی که بخواهد گزینش می‌کند و این فرد در عین حال نماینده هم نوعان خویش است." (همان ۱۶۱) "البته توجه به سرزمین‌ها و زمان‌های دیگر که از مشخصات رمانتیسیم بود هیچ‌کدام از ادبیات رنالیستی حذف نشدند؛ اما جای خیال‌بافی درباره سرزمین‌های دوردست را سفر واقعی و مشاهده آن سرزمین‌ها گرفت. فلوبر پیش از نوشتن *سالامبو* به تونس سفر کرد. [...] رمان‌های نویسندگان رنالیست بیش‌تر شرح و تحلیل شهرها

و محله‌های سرزمین خودشان را در بر داشت. (به‌عنوان مثال نورماندی (Normandie) در آثار فلوبر و مویاسان (Maupassant) (همان ۱۵۵)

منتقدان، داستان‌های واقع‌گرایانه را متناسب با گرایش آن‌ها به نحله‌ای خاص، در انواع و شاخه‌های متنوعی گنجانده‌اند، که از آن میان رئالیسم بورژوا، رئالیسم سوسیالیستی، رئالیسم انتقادی، رئالیسم روان‌شناختی و رئالیسم جادویی قابل ذکرند. نویسنده واقع‌گرا در تمامی این انواع رئالیسم در پی آفریدن تصویری است که به واسطه شباهت زیادش با ادراک عادی ما از زندگی، مجذوب کننده است. (خاتمی و تقوی، ۱۳۸۵: ۱۱)

رئالیسم، پس از فرانسه، به کشورهای دیگر جهان نیز وارد شد. در روسیه نویسندگانی هم چون داستایوفسکی (Dostoievski)، چخوف (Chekhov) و تولستوی (Tolstoy) آثار بی نظیری در این مکتب بر جا گذاشتند. (سیدحسینی، ۳۵۷: ۱۸۱) اما رئالیسم روسی تنها صحنه‌های ناخوشایند را به تصویر می‌کشید. برای مثال *آنکارینیا (Anna Karenina)* اثر تولستوی که به‌نوعی تحت تأثیر *مادام بواری* است. در آمریکا نیز این مکتب مقبول واقع شد و در سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۰ به اوج خود رسید. (همان ۱۷۵) اما در آلمان هرگز مکتب مستقلی نشد. (همان ۱۷۴)

فلوبر همیشه از پذیرش برچسب رئالیست که به او می‌زدند سر باز می‌زد. (اشلاق، ۱۳۸۱: ۱۲۳) وی با خلق رمان *مادام بواری*، رئالیسم را به ساحت تازه‌ای می‌کشاند. با وجود تمام شدت و حدتی که فلوبر در کار مشاهده و بازنمایی، تحلیل و کالبدشکافی جامعه به کار گرفت، گاه بی‌علاقگی‌اش نسبت به امر واقعی و رئالیسم به حد وسواس می‌رسد. "فلوبر می‌نویسد: "گمان کرده‌اند که من دل‌باخته‌ام واقع‌ام. حال آنکه راستش از آن بیزارم. این رمان *مادام بواری* را از فرط نفرت از رئالیسم نوشتم." (خاتمی و تقوی، ۱۳۸۵: ۶) در سراسر کتاب *مادام بواری* رنگ و بوی سرزنش علیه رمانتیسم مشهود است. نویسنده این کتاب انسان را از خطر فکر و خیالات باطل آگاه می‌سازد و عاقبت چنین چیزی را به وی می‌نماید. او تا آن جا پیش می‌رود که والتر اسکات (Walter Scott) و لا مارتین (Lamartine) را مجرمین واقعی خودکشی "اما بواری" می‌داند. (اشلاق، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

"فلویر درباره شخصیت ادبی اش و پرداختن او به جزئیات در رمان هایش می گوید: "... در من، به لحاظ ادبی دو شخصیت متضاد هست: یکی آن که شیفته مبالغه هاست، (... و دیگری آن که به دنبال حقایق نقب می زند و زمین می کند و خاک بر می دارد، و تا آن جا که می تواند کاوش می کند." (الشکری، ۱۳۸۶: ۲۴۹)

با وجود این که فلویر فن نویسندگی، کلمات متناسب و آهنگ کلامش را از رمانتیک ها به ارث برد اما سرانجام به این نتیجه رسید که می بایست نیروی خیال خویش را مهار کند؛ زیرا در متونش گاه پیش می آید که جلوی تخیلات خود را می گرفت تا رمانش لمسی از واقعیت دنیای اطراف باشد. او می کوشد به حقیقت عینی برسد به عقاید رئالیست ها نزدیک می شود و حتی در *مادام بواری* از خطر ویرانگر خیال پردازی و دوری از واقعیت می گوید. هرچند که رنه ولک (René Wellek) اعتقاد داشت که فلویر از لحاظ نظری و عملی موفق نشده بود تا رئالیسم و زیباپرستی را با هم ترکیب کند. (ساجدی، ۱۳۸۲: ۵)

مکتب رئالیسم و به خصوص فلویر، بر روی ناتورالیست ها به ویژه زولا (Zola) و مویاسان تأثیر به سزایی داشت. (بوتی، ۲۰۰۱: ۲۰۵) "ناتورالیسم در پایان امپراطوری دوم با الهام گرفتن از *مادام بواری* و نظریات ادبی تن (Taine) منتقد بنام فرانسوی و به تأثیر ریشه دارتر کارهای بزرگ فیزیولوژیست ها و پزشکان و طب تجربی کلود برنار (Claude Bernard) به وجود آمد. (فلویر، ۱۳۸۰: ۱۱) به گفته خود مویاسان "دو نفر با تعلیمات ساده و روشنشان همیشه به من نیروی تلاش در انجام کار داده اند: لویی بوییه (Louis Bouilhet) و گوستاو فلویر." (فورستیه، ۱۹۸۷: ۷۱۲)

فلویر و شرق

از دیرباز مشرق زمین در چشم اروپائیان مملو از مناظر جذاب بوده است. "خاورشناسی یا شرق شناسی، ترجمه واژه نسبتاً جدید "اوریانتالیسم" است که از زبان های اروپایی در فارسی رسوخ کرده و به معنای لغوی "پژوهش و شناخت تمام دانش ها و آداب و رسوم مردم خاورزمین" به کار رفته است." (رهدار، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

"مطالعات غربی ها درباره شرق - از جمله ایران - در دو مقطع و دارای دو سیر و جهت بوده است:

۱- روزگاری که مطالعات شرق شناسانه زمینه ساز سلطه و استعمار اروپا و غرب است. در این مقطع، شرق و آداب و سنن ملل شرق با نظر تحقیر و تخطئه، و نمادی از عقب ماندگی و توحش مورد مطالعه و نگارش قرار می‌گیرد.

۲- روزگاری که نهضت‌های ضداستعماری در کشورهای شرقی پا می‌گیرد. در این مقطع، شرق شناسی چهره عوض می‌کند و تحقیر، جای خود را به تعظیم و تکریم می‌دهد، اما به دنبال کسب این نتیجه که شرقی‌ها در شناخت خود، چشم به دهان غربی‌ها داشته باشند و در نهایت، با ملاک‌های غربی به شناخت و نقد خویش پردازند. در هر صورت، حاصل هر دو مقطع شرق شناسی، اثبات سیادت غرب و القای آموزه‌های غربی بوده است. " (همان ۱۷۲)

فلوربر از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ به مشرق سفر کرد و از کشورهای مصر، فلسطین، یونان و دور تا دور مدیترانه دیدن نمود. این سفر منجر به بلوغ افکار رمانتیک وی شد و آن را تبدیل به رئالیسم کرد. (فلوربر، ۱۳۸۴: ۲) این مسئله در آثاری نظیر *سوسه سنت آنتوان* و *سالامبو* و *هرودیا* کاملاً مشهود است. "فلوربر به آن دسته از متفکرینی تعلق داشت که دیدی خوشایند و درعین حال انحرافی از شرق را در میان خود گسترش می‌دادند که همین سبب خلق شخصیت‌های خاصی در این داستان‌ها شده است. " میشل فوکو (Michel Foucault) نیز در رابطه با تحقیقات شرق شناسانه فلوربر می‌نویسد: "همه آموخته‌های عظیم فلوربر هم چون یک کتاب خانه فانتزی (خیالی) و نمایشی که از مقابل نگاه خیره فرد گوشه نشینی رژه می‌روند تنظیم شده است. " (آتش و حیدی، ۱۳۸۷: ۳۰)

تاریخچه ترجمه در ایران

بر اساس نظر کریستف بالائی، تا قبل از سال ۱۲۷۹ شمسی، "انتخاب آثار در ابتدا بر حسب معیاری که ما آن را ادبی می‌نامیم صورت نمی‌گرفت و آنچه سبب گزینش برخی آثار جهت ترجمه می‌شد طرز تفکر ایرانیان نسبت به رمان نبود. " (بالائی، ۱۳۷۷: ۷۰) در ابتدای قرن نوزدهم ایرانیان کوشیدند تا با الگو قرار دادن غربی‌ها خود را از عقب افتادگی نسبت به دیگر ملل برهانند. از این روی

در ابتدا به آثار نویسندگان تاریخی مثل ولتر (Voltaire)، فنلون (Fénelon) و دوما (Dumas) روی آوردند. (همان ۷۱)

پس از این سال و تا آغاز قرن ۱۴ شمسی، علی‌رغم کاهش اشتیاق به آثار تاریخی، ترجمه آثار دوما و ژول ورن (Jules Verne) همچنان ادامه یافت. ولتر فراموش شد. آثاری از نویسندگان رمانتیک در مجله‌های ادبی ترجمه شد که از آن جمله می‌توان قطعاتی از *بینویان* (Les Misérables) هوگو (Victor Hugo) و *اسرار پاریس* (Les Mystères de Paris) اوژن سو (Eugène Sue) را نام برد. رمان *بینویان* و *هم‌چنین پل و ویرژینی* (Paul et Virginie)، ادبیات فارسی را به شدت تحت تأثیر قرار دادند. (همان ۷۲)

پس از کودتای رضا شاه، محیط سیاسی و اجتماعی ایران تغییر کرد. نویسندگان دوران پیش، از قبیل دوما، اوژن سو و هوگو همچنان موقعیت سابقشان را حفظ کردند و دیگر نویسندگان هم چون زواکو (Zevaco) مورد توجه قرار گرفتند. [...] در عین حال شاهد خلق رمان‌های اجتماعی یا سیاسی هستیم. در حدود سال‌های ۱۳۰۰ داستان کوتاه واقع‌گرا با یکی بود یکی نبود اثر جمال زاده آغاز شد. (همان ۷۳) "در مجموعه داستان یکی بود یکی نبود، گوشه‌هایی از اوضاع اجتماعی روزگار، با زبانی ساده و شیرین و با کاربرد اصطلاحات و تعابیر عامیانه، تصویر شده است. این کتاب به‌عنوان نخستین پاسخ به مقتضیات یک نوجویی فرهنگی و ادبی در اجتماع آن روز اهمیت بسیار دارد." (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۵)

دهه ۳۰ شمسی شاهد گسترش ترجمه آثار غربی در ایران بود و انواع کتاب‌ها در مکتب‌های مختلف ادبی به فارسی ترجمه و منتشر شد. شاید بتوانیم بگوییم که مترجمان دوره رضا شاه بیشتر از فضلا و دانشگاهیان و بعد از شهریور ۱۳۲۰ اغلب از روشنفکران سیاسی آن زمان بودند. (خزاعی فر، ۱۳۸۰: ۶۵)

با سقوط رضا شاه در اواسط سال ۱۳۲۰ نظام سیاسی ایران متزلزل شد. تشکیل نخستین کنگره نویسندگان ایران در تیر ماه ۱۳۲۵ از ویژگی‌های این دهه است. زبان انگلیسی ابتدا رقیب سرسخت زبان فرانسه (که در دوره قاجار و رضا شاه زبان دوم غالب بود) و بعد اندک‌اندک جایگزین آن شد. مرحوم سعید نفیسی در نامه‌ای از کم‌رواج بودن زبان فرانسه نسبت به زبان انگلیسی اظهار تأسف

کرد. (همان ۶۳) البته در همین دوران شناخت دقیق تری از پدیده ادبی در معنای خاص به دست آمد و آثار دیگر نویسندگانی که برای ایرانیان ناشناس باقی مانده بودند ترجمه شد. از این دست می‌توان به مونتسکیو (Montesquieu)، بالزاک (Balzac)، فلور و زولا اشاره کرد. (بالائی، ۱۳۷۷: ۷۴)

ترجمه مسائل نظری درباره ادبیات، اجتماع و آثار متفقدان اروپایی سبب گسترش میدان دید و جلب توجه نویسندگان ایرانی نسبت به مضمون‌های نوین داستان‌نویسی می‌شود. [...] در واقع ترجمه داستان‌های رئالیستی بیش از ترجمه آثار نظری ادبی بر داستان‌نویسی ایران تأثیر می‌نهد. انتشار این گونه آثار برای مردمی که سال‌ها در محیطی بسته و خفقان آور زیسته‌اند دریچه‌ای به هوای تازه است. (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

"در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ جک لندن (Jack London) با (۲۲ کتاب)، هوگو با (۱۴ کتاب)، داستایوفسکی و بالزاک (هر یک با ۱۳ کتاب)، همینگوی (Hemingway) با (۱۲ کتاب)، تولستوی و اشتاین بک (John Steinbeck) (هر یک با ۱۰ کتاب) و آنتوان چخوف با (۸ کتاب) پر خواننده‌ترین نویسندگان بیگانه در ایران هستند. [...] مترجمانی همچون کاظم انصاری (جنگ و صلح تولستوی ۱۳۳۵) و (خشم و هیاهو فاکنر (Faulkner) ۱۳۳۸) محمد قاضی^۱ (مادام بواری فلور ۱۳۴۱) در ارائه متن‌هایی خواندنی از آثار بزرگ جهانی می‌کوشند." (همان ۲۹۹)

نگارش واقع‌گرا در ایران با انقلاب مشروطه آغاز شد. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱) اگر چه نویسندگان مشروطه فضای داستان‌نویسی را در ایران تغییر دادند اما صادق هدایت با نگارش آثاری هم چون سگ ولگرد و داش آکل نام خود را به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران مکتب رئالیست در ایران ثبت کرد. (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۰۱) "اما صادق هدایت، بنیان‌گذار واقعی داستان کوتاه در ایران نیز هست. او نخستین کسی است که تکنیک داستان‌نویسی غربی را وارد ادبیات فارسی کرد." (الشکری، ۱۳۸۶: ۸۴) بزرگ علوی نویسنده دیگری بود که پا به پای هدایت سیر داستان‌نویسی فارسی را متحول کرد و داستان‌هایی رئالیستی را به رشته تحریر درآورد که با گرایش‌های رمانتیک پیوند خورده است. (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۰۲) احمد محمود و سیمین دانشور دیگر نویسندگانی بودند که با خلق آثاری بدیع

محمد قاضی (۱۲۹۲-۱۳۷۶) مترجم بزرگ ایران است. از برجسته‌ترین ترجمه‌های ایشان می‌توان به دون کیشوت یا پهلوان مانش، مادام بواری، مسیح باز مصلوب، آخرین روز یک محکوم و جزیره پنگوئن‌ها اشاره کرد.

رتالیسم را به اوج خود رساندند. "در یک زن با مردهای سیمین دانشور که یاد آور *مادام بواری* فلوبر است دکتری که همسرش به او خیانت می‌کند مذبوحانه از قبول واقعیت می‌گریزد." (همان ۳۸۴)

از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، از ۱۷۰۰ عنوان رمان ترجمه شده به فارسی حدود ۱۷۵ عنوان آن فرانسوی است. "در این دوره بالزاک با ۴۰ عنوان و هوگو با ۳۰ عنوان مقام خود را به عنوان پرخواننده‌ترین نویسندگان فرانسوی در ایران حفظ کرده‌اند. ترجمه آثار کامو (Camus) و سارتر (هریک ۲۰ عنوان)، ژول ورن و الکساندر دوما (۱۵ عنوان) و موپاسان (۱۰ عنوان) بارها به چاپ می‌رسد. [...] آثار ژید، سنت اگزوپری (Saint-Exupéry)، رولان (Rolland)، فلوبر، زولا و استاندال (Stendhal) (هریک بیش از ۵ عنوان) از پر فروش ترین آثار ادبی فرانسه در ایران محسوب می‌شوند." (همان ۴۱۴)

با همه این اوصاف گویا گوستاو فلوبر در ایران نویسنده بی‌طالعی بوده و این طور به نظر می‌رسد که او از آغاز مورد علاقه و توجه نبوده است. (خزاعی فر، ۱۳۸۰: ۶۹) زیرا آثار فوق العاده اش بسیار دیر و کم ترجمه شده‌اند. البته این مسئله را نیز باید در نظر داشت که تعداد آثار فلوبر نسبت به بالزاک بسیار کم‌تر است. شاید دلیل دیگر آن این باشد که ایرانیان داستان‌های عاشقانه را دوست داشتند. "احتمالاً برای رسیدن به نوعی آسودگی خیال است که بسیاری به سراغ رمان‌های عامه پسند می‌روند. آیا در سال‌های پس از جنگ و بحران‌های اجتماعی آدم‌هایی که مرگ را نزدیک به خود دیده‌اند به آثار نویسندگانی اقبال نشان می‌دهند که لذت جویی - ولو خیالی - از زندگی را برایشان فراهم می‌کنند؟ زیرا به قول فلوبر "مردم آثاری می‌خواهند که توهماتشان را تشویق کند." (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۲۷۳) بدین گونه نخستین ترجمه از آثار فلوبر در سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۹ و با ترجمه *مادام بواری* توسط محمود پورشالچی صورت گرفته است. (خزاعی فر، ۱۳۸۰: ۶۳) اما با این حال *مادام بواری* او مورد توجه قرار گرفته و بارها تجدید چاپ شده است. (همان ۷۰)

بدین ترتیب فلوبر، با ترجمه شاهکارش *مادام بواری*، به ایرانیان شناسانده شد و دیگر آثارش در طول زمان توسط بزرگان ترجمه معاصر فرانسه به فارسی ایران، هم چون محمد قاضی، مهدی سبحانی و دیگران ترجمه گردید.

مادام بواری

مادام بواری در ابتدا در سال ۱۸۵۶ در مجله فرانسوی روو دو پاری (*Revue de Paris*) منتشر شد و در سال ۱۸۵۷ به صورت یک کتاب مستقل انتشار یافت. این کتاب داستان "اما روئو" (*Emma Rouault*) دختر یک دهقان روستایی است. علی‌رغم روح بلند پروازش با واقعیت زندگی خود مواجه می‌شود که می‌بایست با پزشک دون پایه‌ای به نام "شارل بواری" (*Charles Bovary*) ازدواج کند. روح سرکش و سودا زده "اما" از یک سو و حقارت "شارل" از سوی دیگر او را بیش از پیش در ورطه خیالات باطل و شهوات نفسانی می‌اندازد. رؤیای رومی‌های مخمل و چهل چراغ‌های سالن‌های با شکوه، با واقعیت زندگی محقر "اما" جور در نمی‌آید و روحیه او را به شدت دگرگون می‌سازد و وی را دشمن سرسخت سرنوشت ظالم خود می‌کند و او را به فکر جنگیدن با چنین تقدیری می‌اندازد که در نهایت سر خورده شده و راهی جز خودکشی نمی‌یابد. به اتهام این که مادام بواری، یک اثر خلاف اخلاق است، نویسنده و ناشر، تحت تعقیب قرار گرفتند، وکیل مدافه با اثبات این مسئله که می‌توان نتیجه اخلاقی خوبی از رمان گرفت توانست رأی بر براءة متهمان بگیرد.

مادام بواری را برای اولین بار در ایران محمد پور شالچی در سال ۱۳۲۷ و توسط انتشارات صفی علی شاه در تهران به چاپ رساند. پس از آن و در سال ۱۳۴۱ مترجم برجسته، محمد قاضی، با همکاری رضا عقیلی آن را ترجمه و توسط نشر کیهان چاپ کرد و در سال ۱۳۵۷ تجدید چاپ شد. پس از آن انتشارات متعدد دیگری نیز این کتاب را چاپ کردند که از این میان می‌توان به انتشارات نیل در سال ۱۳۶۲ اشاره کرد. از سال ۶۲ تا ۶۹، مادام بواری در انتشارات نیل چهار مرتبه دیگر چاپ شد. انتشارات مجید در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ و نشر ثالث در سال ۱۳۹۲ نیز این کتاب را چاپ کردند.

محمد قاضی مقدمه‌ای بر چاپ اول و مقدمه مفصل‌تری برای چاپ دوم نوشت (انتشارات مجید). مقدمه اول شامل بیوگرافی فلوبر و خلاصه کلی داستان مادام بواری است و مقدمه دوم بیوگرافی کامل‌تری از فلوبر را به خواننده می‌دهد و پس از آن به‌طور مبسوط به چگونگی پیدایش رمان مادام بواری، شخصیت‌های کتاب، محکوم شدن کتاب در دادگاه و دفاعیات وکیل مدافع نویسنده در دادگاه می‌پردازد.

این نکته شایان ذکر است که محمد قاضی در ابتدای ترجمه کتاب *مادام بواری* اشاره می‌کند که شادروان رضا عقیلی قبل از وی به ترجمه کتاب *مادام بواری* مشغول بوده است و وقتی قاضی به مقابله ترجمه اصلی کتاب پرداخته آن را تنها یک ترجمه آزاد یافته است. وی خاطر نشان می‌کند که او کتاب را به شهادت استاد دکتر ابوالحسن نجفی "از آغاز تا انجام" دوباره ترجمه کرده و همواره نام خود را در کنار نام شادروان عقیلی آورده است. (فلویر، ۱۳۸۴: ۳)

در سال ۱۳۴۱ ربیع مشفق همدانی این کتاب را توسط نشر امیر کبیر تهران به چاپ رساند و در سال ۱۳۵۰ و ۱۳۹۳ نیز تجدید چاپ شد. نشر قاصدک صبا در سال ۱۳۹۲ این کتاب را منتشر نمود. این نکته قابل ذکر است که داوود نوابی در کتاب *تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی کتاب مادام بواری* را ترجمه مرتضی مشفق همدانی نوشته است (نوابی، ۱۳۸۸: ۱۵۷) حال آن که محمد جواد کمالی در کتاب *تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی* این کتاب را ترجمه ربیع مشفق همدانی دانسته است. (کمالی، ۱۳۹۲: ۲۹۸) که البته بر طبق اسناد موجود در کتابخانه ملی ایران به نظر می‌رسد که ربیع مشفق همدانی درست است.

داریوش شاهین در سال ۱۳۶۸ توسط نشر مدبر تهران این کتاب را ترجمه و منتشر نمود و در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۹ نیز تجدید چاپ شد. محمد مهدی فولادوند، مترجم دیگر *مادام بواری*، این کتاب را در سال ۱۳۷۹ و با نشر جامی تهران به چاپ رسانید. در این کتاب، از ترجمه "دو فصل، به دلیل کثرت دشواری‌های موجود، (بدون در جریان قرار دادن خواننده) اجتناب شده است." (شهرپرادر و حسین زاده، ۱۳۸۴: ۳۵) و مهدی سحابی^۱ در سال ۱۳۸۶ در نشر مرکز این کتاب را منتشر کرد و در سال ۱۳۹۳ تجدید چاپ شد. سوسن اردکانی (شاهین) در سال ۱۳۸۸ در نشر نگارستان کتاب، نیلوفر رجائی در نشر مهتاب در سال ۱۳۹۲ و هانیه چوپانی در نشر فراروی تهران در سال ۱۳۹۲ نیز این کتاب را ترجمه کرده‌اند. بهاره ربانی مترجم دیگری است که *مادام بواری* را با نشر قاصدک صبا در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسانید. بابک حقایق ویراستاری این کتاب را برعهده گرفت. تا کنون ۱۰ ترجمه

مهدی سحابی (۱۳۲۳-۱۳۸۸) یکی از برجسته‌ترین مترجمان ایرانی است. بیش تر شهرت وی به دلیل ترجمه رمان در جستجوی زمان از دست رفته اثر مارسل پروست است.

از *مادام بواری* صورت گرفته است و بدین ترتیب این رمان جزو اثرات مورد توجه و پرخواننده در ایران قرار دارد.

در زمینه ترجمه عنوان کتاب، جالب توجه است که علی‌رغم وجود معادل‌های فارسی "بانو" و "خانم" برای واژه "مادام" در فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۷: ۹۳۹)، هیچ‌یک از مترجمین متعدد این رمان تمایلی به استفاده از این معادل‌ها نشان نداده است. گویا ترجیح داده‌اند تا این شخصیت را ایرانی سازی ننموده، ملیت فرانسوی وی در کل رمان همراهش بماند. به هر حال این موضوع می‌تواند نظر پژوهندگان عرصه ترجمه را به خود جلب نماید و آن‌ها را به دنبال چرایی این نوع ترجمه رهنمون سازد. این موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که مثلاً رمان دیگری با عنوان *خانم دالووی* (Mrs. Dalloway) اثر ویرجینیا ولف (Virginia Woolf)، در ترجمه فرانسه همان Mrs. Dalloway مانده است و به مادام ترجمه نشده، اما در ترجمه فارسی، به "خانم" ترجمه شده است. دیگر این که هدف مترجمان از بازترجمه این اثر چه بوده است؟ آیا آن‌ها به دنبال تغییر و بهبود ترجمه بوده‌اند یا صرفاً برای علایق شخصی دست به بازترجمه این اثر زده‌اند؟ امید است دیگر پژوهش‌گران در حوزه ترجمه پاسخی برای این دست از سؤالات بیابند.

در سایت کتابخانه ملی یک نسخه خطی از کتاب *مادام بواری* به زبان فارسی ثبت شده است که در صفحه اول آن امضای ناصر الدین شاه وجود دارد؛ اما در واقع، این اثر نسخه خطی مترجم از کتاب *مادام بواری* نیست. در امضا ناصر الدین شاه شرح حال *مادام دپاری* و در صفحه اول این نسخه خطی، *روزنامه مادام دوپاری* نوشته شده که به‌طور قطع این اشتباه سهواً صورت گرفته و ناشی از شباهت میان اسامی مادام بواری و مادام دوپاری بوده است.

مقاله دیگری نیز توسط مصطفی رحیمی با نام "مادام بواری، نوشته گوستاو فلوبر" در سال ۱۳۴۳ در مجله *انتقاد کتاب* به چاپ رسید. رحیمی در این مقاله مقایسه‌ای از ترجمه محمد قاضی و مشفق همدانی انجام داده و با ذکر مثال‌های متعدد، ترجمه مشفق همدانی را ترجمه ناموفقی دانسته است. وی دلیل این ترجمه ناموفق را نخست این می‌داند که ترجمه این اثر با متن سازگار نیست و نمی‌توان این کتاب را به هر سبکی ترجمه نمود. گذشته از این، مترجم در ترجمه این اثر دچار اشتباه‌های

بسیاری شده و این گونه چه در رساندن مفهوم جمله و چه مفهوم واژه به خواننده خلل ایجاد شده است.

نازیتا عظیمی و پریسا لاهوتی، "طرح مفهوم مرگ به طور عینی و ضمنی در رمان مادام بواری" را به چالش کشیدند. این مقاله در شماره ۸ دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات فرانسه (پائیز و زمستان ۹۲) و به زبان فرانسه به چاپ رسیده است. این تحقیق به بررسی روش های عینی که فلوربر برای ترسیم مرگ در رمان مادام بواری مورد استفاده قرار داده است می پردازد. این مقاله با هدف پاسخگویی به این مسئله که فلوربر چگونه خودکشی را از طریق واژگان (عینی) و معنایی (ضمنی) توصیف می کند نگاشته شده است.

برخی دیگر از مقالاتی که در مورد مادام بواری نوشته شده است به شرح زیر می باشد:

"بررسی بواریسم در شخصیت مادام بواری" به کوشش رحیم عقیفی، جستارهای ادبی (شماره ۳۶، سال ۱۳۵۲) - "امای مادام بواری در رمان های جدید" نویسنده: پیر مارک دوپیزی، مترجم: هاله رجائی، فصلنامه سمرقند (شماره ۱۵ و ۱۶، سال ۱۳۸۵) - "مادام بواری محبوب من" به کوشش سوسن شریعتی، مجله هفت (شماره ۳۶ سال ۱۳۸۶) - "نالی و هه ندی داهینانی له بواری ره وانیزیدا" فصلنامه کردی زریبار به کوشش عه بدولسه لام سالار (شماره ۸۰ سال ۱۳۹۱) - "مادام بواری گوستاو فلوربر" به کوشش ناصر نبوی، سینما و ادبیات (شماره ۲۹ سال ۱۳۹۰)

سالامبو

رمان تاریخی در نیمه دوم قرن نوزدهم، اهمیت و شهرتی را که پیدا کرده بود از دست داد، زیرا یا به صورت رمان های تاریخی سرگرم کننده و بازاری در آمد که به دست نویسندگان بی مایه نوشته می شد و یا جنبه باستان شناسی و تحقیق و تتبع به خود می گرفت مانند سالامبو اثر گوستاو فلوربر که نکات بسیار دقیقی را درباره تاریخ کارتاژ (Carthage) مورد بررسی قرار می دهد و نمونه ای از کوشش و دقت و استعداد و هنر این نویسنده بزرگ است. (سیدحسینی، ۱۳۵۷: ۱۰۵) فلوربر سالامبو را در سال ۱۸۶۲ و پس از سفری که به تونس داشت به رشته تحریر درآورد و ایده نگارش این رمان را از کارهای ژول میشله (Jules Michelet) مورخ فرانسوی و کتاب داستان مومیای (Le Roman

آن جا که *سلاامبو داستانی تاریخی* را روایت می‌کند تحلیل‌های روانشناختی کم دارد؛ اما توصیفاتی که در این اثر وجود دارد ستایش هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد.

"فلوبر برای بازیافتن کارتاژ در تونس به پژوهش می‌پردازد." (برونل، ۱۳۸۵: ۲) او با بررسی مدارک و متون کهن، داستان را روایت می‌کند. این داستان از محاصره کارتاژ در در قرن سوم پیش از میلاد مسیح از عشق غیر ممکن ماتو (Mathô) و سلاامبو دختر پادشاه می‌پردازد. کارتاژ در جنگ از بربرها کمک می‌گیرد و پیروز می‌شود اما نمی‌تواند دست مزد سربازان بربر را پردازد و این مسئله باعث اختلاف بین آن‌ها می‌شود. در نتیجه پادشاه کارتاژ می‌خواهد از دخترش در این نبرد استفاده کند. احمد سمیعی گیلانی برای نخستین بار این کتاب را در سال ۱۳۴۷ ترجمه کرد و کتاب‌های جیبی انتشارات فرانکلین آن را چاپ کرد. این کتاب برای بار دوم چاپ شد و در سال ۱۳۷۴ نیز برای سومین بار توسط انتشارات خوارزمی تجدید چاپ شد. (کمالی، ۱۳۹۲: ۴۲۳) در صفحه ۲۰۹ کتاب *تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی* نوشته داوود نوابی چاپ اول این کتاب در انتشارات فرانکلین در سال ۱۳۵۵ ذکر شده است؛ اما بر طبق اسناد کتابخانه ملی ایران نخستین چاپ این کتاب مربوط به سال ۱۳۴۷ است. نشر آوا دیگر انتشاراتی بود که در سال ۱۳۶۳ این کتاب را منتشر کرد.

رمان تاریخی کتابی اثر گئورگ لوکاچ (György Lukács) است که امید مهرگان آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب در سال ۱۳۸۸ توسط نشر ثالث به چاپ رسید. فصل سوم این کتاب مشخصاً به بررسی رمان *سلاامبو* می‌پردازد. این کتاب، *سلاامبو فلوبر* را نماینده بزرگ تحول رمان تاریخی و از نظر سبک اوج هنر نویسندگی فلوبر می‌داند. این کتاب اضافه می‌کند که قصد فلوبر این بوده است که از روش نگارش رمان مدرن و رئالیسم جدید برای نگارش داستانی در مورد عصر باستان بهره بگیرد.

معصومه سلیمی نیز پایان نامه "*مطالعه تحول ایماژ زن از مادام بواری تا سلاامبوی فلوبر*" را در دانشگاه فردوسی مشهد به رشته تحریر در آورده است. وی در ابتدا به تشابه عمده این دو اثر اشاره کرده است. با وجود این که قهرمان هر دو داستان زن است، اما در دو جهان بسیار متفاوت به تصویر کشیده شده است. نگارنده در این تحقیق به دنبال بررسی این ایماژها است و می‌خواهد بداند این

تصاویر چگونگی از رمانی به رمان دیگر تغییر می‌کند. متأسفانه چنان‌که دیده می‌شود، علی‌رغم اهمیت سلامبو مطالعات زیادی در ایران روی این اثر انجام نشده است.

تربیت احساسات

شاهکار بودن *مادام بواری* بر کسی پوشیده نیست؛ اما به نظر کم‌لطفی می‌آید که آثار دیگر فلوبر نظیر *تربیت احساسات* که خود فصل تازه‌ای در باب روان‌شناسی است نادیده گرفته شود. اگر *مادام بواری* داستان ناامیدی است *تربیت احساسات* داستان یک شکست است. نگارش این اثر که ۵ سال به طول انجامید داستان پسر جوانی به نام فردریک مورو (Moreau Frédéric) را روایت می‌کند که با خانواده آقای آرنو (Arnoux) آشنا می‌شود و دل در گرو عشق زنی که سال‌ها از او بزرگ‌تر است می‌بندد. او که جوانی با آرزوهای بزرگ است کم‌کم همه را فراموش کرده و درس را نیز رها می‌کند. فلوبر می‌خواست حقیقت عینی را، بی‌طرفانه، بگوید؛ و خودش را به‌هیچ‌وجه وارد داستان نکند و آن را تفسیر نماید. از نظر او راوی نباید دخالتی در نتیجه‌گیری خواننده از داستان داشته باشد. هر چند که فلوبر در نگارش *مادام بواری* گاهی نتوانسته است به‌طور کامل نقش راوی نامرئی را داشته باشد اما در *تربیت احساسات* تمام تلاش خود را می‌کند. او می‌خواست حقایق را آن‌گونه بیان کند که تفسیر یا قضاوت نویسنده در آن وارد نشود؛ و همین امر او را بر عکس بالزاک تبدیل به یک مشاهده‌گر صرف می‌کند. در حقیقت "رمان برای فلوبر یکی از صور هنری است. از نخستین نظریه پردازانی که از رمان به‌عنوان یکی از صور هنری یاد می‌کنند می‌توان به گوستاو فلوبر و ایوان تورگنیف (Ivan Turgenev) اشاره کرد." (فلوبر، ۱۳۷۴: ۳) مارسل پروست با در جستجوی *زمان از دست رفته*، ناتالی ساروت با *صلایشان را می‌شنوید؟* و ریچارد براتیگان (Richard Brautigan) در *صید قزل‌آلا در آمریکا* نیز همان راه فلوبر یعنی نگارش رمان بدون موضوع را ادامه دادند.

دخالت کم‌تر راوی (راوی نامرئی) در *تربیت احساسات*، ساختار هرمی رمان و بی‌موضوعی این رمان از ویژگی‌های رمان مدرن است. گوستاو فلوبر آغازگر جنبش رئالیسم، بی‌تردید نویسنده‌ی بوده که «نخستین رمان مدرن» را نوشت. فلوبر در نامه‌ای به معشوقه‌اش لوئیز کوله (Louise Colet) می‌نویسد که آرزو دارد: "کتابی درباره‌ی هیچ بنویسد کتابی که خود به خود در هوا معلق بماند." (فلوبر،

۱۳۷۴: ۴) [...] همه این‌هاست که به تربیت احساسات اعتباری سخت نو آورانه و "مدرن" می‌دهد قهرمانان آن را نخستین نمونه‌های "نا قهرمان" یا "ضد قهرمان" ادبیات دوران معاصر و خود کتاب را سرچشمه رمان "نو" و "مدرن" و به گفته تئودور دو بانویل (Théodore de Banville) "شاهکاری می‌کند که همه رمان امروزی از آن زاییده شده است." (همان ۳)

این کتاب تحت عنوان مکتب عشق، تربیت عاطفی یا سرگذشت یک جوان به قلم فروغ شهاب ترجمه شد و در انتشارات ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. عبدالحسین شریفیان نیز این رمان را با عنوان مادام آرنو (آموزش احساسی) در نشر نگاه و در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسانید. مهدی سحابی این کتاب را با نام تربیت احساسات در سال ۱۳۸۰ در نشر مرکز چاپ کرد و تا سال ۱۳۸۹ به چاپ پنجم رسید و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

مهسا بخشایی مقاله ای راجع به این کتاب در شماره ۱۶ سال ۱۳۸۵ فصلنامه سمرقند چاپ کرده است. سعید کمالی دهقان نیز مقاله "نگاهی به تربیت احساسات نوشته گوستاو فلوبر: تولد نخستین رمان مدرن" را به رشته تحریر در آورده است که در آن نخست به توضیح سبک نگارش فلوبر و پس از آن به مقایسه مادام بواری و تربیت احساسات پرداخته است. این نوشتار در صفحه ۱۱ شماره ۱۷۰۴ روزنامه اعتماد مورخ ۸۷/۴/۱ به چاپ رسیده است.

فهیمه صادقی زاده یزدی پایان نامه ای با عنوان "نقد ترجمه تربیت احساسات" اثر فلوبر از مهدی سحابی و سایرین را در دانشگاه فردوسی مشهد به رشته تحریر در آورده است. در نقد ترجمه این کتاب از متد یا روش سیکال استفاده شده و انواع خطاهای ترجمه را در جدول طبقه بندی بررسی کرده و از لحاظ کیفی مورد مطالعه قرار داده است. هم چنین در نقد ترجمه این اثر به زندگی نامه و معرفی آثار مترجم و نویسنده نیز پرداخته شده است.

وسوسه سنت آنتوان

وسوسه سنت آنتوان حاصل سفر فلوبر به ایتالیا بود که در آنجا با دیدن یک تابلوی نقاشی به فکر نگارش این کتاب افتاد. این کتاب که در سال ۱۸۷۴ منتشر شد و کتابی است که زیگموند فروید (Sigmund Freud) جوان را تحت تأثیر قرار داد. مضمون اصلی کتاب جدال انسان با وسوسه‌های

شیطانی است. وسوسه سن آنتوان براساس داستان زاهد مسیحی قرن چهارم میلادی نوشته شده که در بیابان مصر زندگی می‌کرده و دچار وسوسه‌های جسمانی می‌شود و در نهایت خودشی می‌کند. (گلشیری، ۱۳۹۱: ۵۳۷) این کتاب با عنوان *وسوسه آنتونیوس قدیس* توسط کتابیون شهپرراد و آذین حسین زاده ترجمه شده و نشر قطره آن را در ۲۷۰ صفحه و در سال ۱۳۸۴ به چاپ رساند.

"بازتاب مفهوم شیطان در ادبیات نمایشی و تحلیل چند نمونه از آن"، عنوان پایان‌نامه ای است که زهره معتمدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به رشته تحریر درآورده است. وی در این پژوهش، نمایشنامه‌ها و رمان‌های متعددی مانند *فاوست (Faust)*، دکتر *فاستوس (Doctor Faustus)*، و *وسوسه آنتونیوس قدیس* و ... را بررسی کرده و به مطالعه مفهوم شیطان در آن‌ها پرداخته است. تمام الگوهای گرد آوری شده کتاب خانه ای است، اما تحلیل آن‌ها بر اساس تئوری کهن الگوهای یونگ (Carl Gustav Jung) است. وی در این پایان‌نامه این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که اساطیر اغلب ساخته و پرداخته ذهن آدمی است؛ بنابراین، این مضامین مشترک در ادبیات کلیه ملت‌ها وجود دارد. انسان، شیطان را نه به واسطه مسائل اعتقادی، بلکه به دلیل ازلی بودن ذات شیطان به خوبی می‌شناسد. مفهوم شیطان که همواره با گناه همراه است در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف نقاط مشترک فراوانی دارد.

سه داستان (Trois Contes)

سه داستان در ۱۸۷۲ منتشر شد و مورد تحسین بسیاری از جمله نویسندگان ایتالیایی، ایتالو کالوینو (Italo Calvino)، قرار گرفت. او درباره این مجموعه گفته است: "سه داستان یکی از خارق‌العاده‌ترین سفرهای روحی است که بیرون از محدوده هر مذهبی صورت گرفته است." سه داستان که به شیوه رئالیسم نوشته شده استادی فلور را در هنر نویسندگی نشان می‌دهد. (همان، ۵۳۷)

از نام کتاب بر می‌آید که سه داستان با مضامین متفاوت در آن گنجانده شده است: داستان نخست ساده دل (*Un Cœur simple*) نام دارد و در مورد روحيات یک پیرزن است. داستان کوتاه بعدی افسانه سنت ژولین تیمارگر پاک که به پیش بینی زندگی آینده پسری که قدیس خواهد شد می‌پردازد. سومین داستان هرودیا درباره زندگی دختری است که به دنبال یک امپراطوری بزرگ است. سه

داستان برای نخستین بار توسط محمود معلم در نشر متین تهران و در سال ۱۳۵۳ چاپ شد. نشر ادیب مصطفوی شیراز در سال ۱۳۹۳ یک بار دیگر این کتاب را تجدید چاپ کرد. در سال ۱۳۶۷ میرجلال الدین کزازی در نشر مرکز و تحت عنوان ساده دل، افسانه ژولین تیمارگر پاک و هرودیا چاپ کرد.

افسانه سن ژولین راهب و قلبی پاک عنوانی بود که فریده مهدوی دامغانی به این کتاب داد و نشر تیر تهران در سال ۱۳۸۰ آن را چاپ کرد. امیر مظهري با نام ساده دل و در سال ۱۳۸۲ توسط نشر انوشه تهران چاپ کرد.

ندا آتش وحیدی مقاله ای را تحت عنوان "سه قصه گوستاو فلوبر، قصه است یا نول؟" در شماره ۱۴ دو فصلنامه آموزش زبان و ادبیات (شش ماهه دوم ۸۲) منتشر نمود. آتش وحیدی در این مقاله، ابتدا به بررسی ریشه شناسی دو واژه "افسانه" و "نول" و پس از آن به رواج این دو نوع شیوه نگارش در فرانسه، از آغاز تا کنون، می پردازد و آن گاه سه داستان فلوبر را در این حوزه بررسی می نماید.

"زاویه دید و روایت مرگ در سه داستان فلوبر" عنوان مقاله ای است که مسعود نذری دوست و سمیه گودرزی در شماره ۸ دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات فرانسه (پائیز و زمستان ۹۲) به چاپ رساندند. نگارندگان در این مقاله به این نکته پرداخته اند که راوی با بهره گیری از دیدگاه درونی، مفهوم مرگ را در هر سه داستان، نشان می دهد تا خواننده از این طریق بتواند به درون شخصیت ها نفوذ کند.

بووار و پکوشه (Bouvard et Pécuchet)

فلوبر در بووار و پکوشه - که آخرین اثر نویسنده نیز می باشد - به توصیف حماقت انسان ها می پردازد و ناامیدی خود را از انسان ها بیان می کند. بووار و پکوشه داستان دوستی دو کارمند ساده است که پس از رسیدن ارث و میراثی هنگفت این پول باد آورده را خرج می کنند. آن ها برای به دست آوردن رویاهایشان به هر کاری دست می زنند و چون در آن شکست می خورند، باز از شاخه ای به شاخه دیگر می روند. این رمان هجو آمیز (Satirique) که ناتمام ماند یک سال پس از مرگ

نویسنده منتشر شد. افتخار نبوی نژاد^۱ تنها مترجم این رمان است و انتشارات کاروان در سال ۱۳۸۴ آن را منتشر نموده است.

آرش نقیبیان در مقاله ای تحت عنوان "درنگی بر فلوبر و شاهکار ناتمامش بووار و پکوشه: چون خورشید که نابینایان را گرم می کند"، که در شماره ۹۷ مجله گلستانه و در اردیبهشت ۱۳۸۸ به چاپ رسید، به این مسئله می پردازد که در این کتاب "گوستاو فلوبر فرصتی مناسب یافته است تا تمام انزجار خود را از روحیات بورژوازی نوکیسه عصر خود ابراز کند. البته نباید این نکته را فراموش کرد که هدف فلوبر تنها هجو ادا و اصول بورژواها نیست بلکه هجو تند فلوبر دامن ادعاهای روشنفکرانه شایع در عصر او به ویژه (علم پرستی) که به شکل یک مد و نمایش برای فضل فروشی در آمده بود را می گیرد." (نقیبیان، ۱۳۸۸: ۷۷)

مکاتبات فلوبر

فلوبر و ژرژ ساند (George Sand) نامه‌های به هم می نوشتند و در آن درباره چهره‌های مهم ادبیات نظیر تورگنیف و سنت بوو (Sainte-Beuve) با هم صحبت می کردند. این نامه‌ها را گلاره جمشیدی با عنوان *آوازه‌های کوچکی برای ماه* ترجمه کرد و نشر افق آن را در سال ۱۳۹۱ چاپ کرد. این کتاب شامل ۳۰۰ نامه در زمینه‌های مختلف از قبیل ادبی و عاشقانه اجتماعی و سیاسی است. از خلال این نامه‌ها می توان با ایده‌های ادبی نویسنده، آثار وی و ادبیات قرن ۱۹ فرانسه آشنا شد.

کتاب *نامه‌هایی از مصر (Les Lettres d'Égypte)* در سال ۱۳۹۰ و توسط نشر کتابسرای تندیس به ترجمه نرگس جلالتی روانه بازار کتاب شد. فلوبر از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ سفری به کشورهای مصر، فلسطین، یونان و دور تا دور مدیترانه انجام داد و این کتاب شرح نامه‌ها و تجربیات او در این سفر است. این کتاب را همچنین می توان اثری تاریخی در مورد کشور مصر دانست.

از دیگر کتاب‌های ترجمه شده توسط این مترجم می توان به *خاطرات فرانسوا میتران و دوراس یا شکیبایی قلم* که شرح حال و آثار مارگریت دوراس است اشاره نمود.

کتاب *نوشتن مادام بواری* یا *حماقت*، هنر و زندگی، در بر گیرنده نامه‌های گوستاو فلوبر و با مقدمه آندره ورسای است که اصغر نوری^۱ آن را ترجمه و در سال ۱۳۹۰ در انتشارات نیلوفر در ۱۰۲ صفحه به چاپ رسانده است. البته نام ورسای داخل کتاب آمده است ولی روی جلد آن نیست. کتاب با زبانی عاشقانه، گزیده نامه‌های این نویسنده به معشوقه‌اش لوئیز کوله می‌باشد و در آن مشکلات تألیف *رمان مادام بواری*، فضای هنری و ادبیات زمان خویش می‌نویسد. گزینش هوشمندانه ورسای از نامه‌های فلوبر، در آن واحد تصویری از افکار فلوبر درباره نویسندگان معاصرش و شرایط سیاسی آن زمان را نیز به خواننده می‌دهد.

فرید قدمی، مقاله ای تحت عنوان "*جعل نامه‌های فلوبر*" در تاریخ ۶ خرداد ۹۱ در روزنامه آرمان به رشته تحریر در آورده است.

ابراهیم گلستان نیز در شهریور ۱۳۳۷، برگزیده ای از نامه‌هایی را که فلوبر در طی بیش از سی سال نوشته بود ترجمه و تحت عنوان *از نامه‌های فلوبر* در شماره ۱۰ مجله صدف چاپ کرد.

مقاله "*هنر شناسی گوستاو فلوبر از خلال مکاتباتش*" نیز به کوشش غلامرضا ذات‌علیان و زهرا کتیری در شماره ۹ *دو فصلنامه قلم* (بهار و تابستان ۱۳۸۸) به چاپ رسید. بر اساس تحقیق نگارندگان در این مقاله "*مراسلات گوستاو فلوبر گنجینه ای حقیقی از مشاهدات و تفاسیر (غالباً متقدانه) در تمامی زمینه‌ها به شمار می‌رود که ما را برآن داشت تا به بررسی هنر فلوبر در نگارش مجموعه مراسلات وی بپردازیم. آنچه که بیش از هر چیز خواننده را شگفت زده می‌کند همان صداقت باور نکردنی و کمبود مشهود استانداردهای ادبی مجموعه مراسلات فلوبر در مقایسه با رمان‌های اوست. نامه‌های فلوبر به واسطه فراوانی ایده‌هایی که از چارچوب‌های عادی مفاهیم روزمره خارج می‌شوند، باور نکردنی هستند. این نامه‌ها، گفتگویی با مخاطبین گوناگون مانند ولتر هستند که ماهیت مشترکی از فلوبر را به فاصله یک قرن تشکیل می‌دهند.*" (ذات‌علیان و کتیری، ۱۳۸۸: ۳۷)

سه داستان از ترجمه میر جلال الدین کزازی با گویندگی محسن حائری فرد در سال ۱۳۷۷ بر روی لوح فشرده ثبت شده است. *رمان مادام بواری* ترجمه قاضی و عقیلی نیز با گویندگی پوریان در

اصغر نوری متولد ۱۳۵۵ در تبریز، مترجم، نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر است. از دیگر ترجمه‌های وی می‌توان به دفتر بزرگ، برهوت عشق و همسر اول اشاره کرد.

مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی استودیو کتابخانه گویا در سال ۱۳۷۸ بر ۱۹ نوار کاست ثبت شده است.

تا کنون حدود ۳۰ مقاله، ۱۱ کتاب و بیش از ۲۱ پایان نامه به طور مستقیم یا غیر مستقیم درباره فلوبر و آثار وی در ایران نوشته شده است که از این میان ۲ پایان نامه به طور تخصصی به مقوله نقد ترجمه *مادام بواری*، ۲ پایان نامه به نقد ترجمه *تربیت احساسات* و ۱ پایان نامه به نقد ترجمه *سه داستان* پرداخته است و دیگر پایان نامه‌ها نیز به بررسی شیوه نگارش و هنر داستان‌نویسی فلوبر اختصاص یافته است. برخی نیز غیر مستقیم به آثار فلوبر و دیگر نویسندگان قرن ۱۹ پرداخته‌اند که از این دست به‌عنوان مثال می‌توان به تصویر شرق در سفرنامه‌های نویسندگان مختلف از جمله فلوبر اشاره نمود.

نتیجه گیری

گوستاو فلوبر یکی از بزرگ‌ترین رمان نویسان ادبیات غرب است. دقت فراوان فلوبر در انتخاب کلمات و آرایه‌های ادبی، منحصر به فرد بوده و به روشنی گویای وسواس بی حد فلوبر در آفرینش یک اثر ادبی فاخر است. پس از ورود ترجمه‌های نویسندگان غربی به ایران، انقلابی در داستان‌نویسی فارسی رخ داد که نقش نویسندگان دیگر نسبت به نقش فلوبر پررنگ تر بود؛ اما فلوبر، به‌عنوان رئیس مکتب رئالیسم فرانسه، و آثارش در این میان فراموش نشدند و هر چند که همچون بالزاک مورد توجه علاقه‌مندان و مترجمان ادبیات قرار نگرفت اما با ترجمه رمان بی همتایش، *مادام بواری*، در میان ایرانیان به شهرت رسید و دیگر آثارش نیز یکی پس از دیگری به فارسی ترجمه شد. لذا علی‌رغم این که شاید بتوان عنوان نویسنده بی‌طالع را فقط به دلیل توجه نسبتاً دیر هنگام مترجمین به این نویسنده بزرگ به وی نسبت داد، اما توجه و استقبال اکثر مترجمین بنام و شهیر ادبیات فرانسه را می‌توان از دلایل خوش اقبالی وی در کشور ایران بر شمرد.

کتابنامه

آتش وحیدی، ندا. (۱۳۸۷). "تأثیر شرق بر آثار گوستاو فلوبر". *آموزش زبان و ادبیات*. شماره ۲۴: صص ۲۰ -

۳۱.

----- (۱۳۸۲). "سه قصه گوستاو فلوبر، قصه است یا ناول؟". *آموزش زبان و ادبیات*. شماره ۱۴.

اشلاق، میشل. (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات قرن ۱۹ در فرانسه. تهران: جنگل.
 الشکری، فدوی. (۱۳۸۶). واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران. تهران: نگاه.
 بالائی، کریستف. (۱۳۷۷). پیدایش رمان فارسی. مهوش قویمی و نسرين خطاط. تهران: معین.
 برونل، پیر و دیگران. (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات فرانسه قرن ۱۹. سید ضیا‌الدین دهشیری. جلد چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 جلالتی، نرگس. (۱۳۹۰). نامه‌هایی از مصر. تهران: کتابسرای تندیس.
 جمشیدی، گلاره. (۱۳۹۱). آوازهای کوچکی برای ماه. تهران: افق.
 خاتمی، احمد؛ تقوی، علی. (۱۳۸۵). "ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی". پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۶: صص ۹۹-۱۱۱.

خزاعی فر، علی. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران. مشهد: بنفشه.
 ذات‌علیان، غلامرضا؛ کثیری، زهرا. (۱۳۸۸). "هنر شناسی گوستاو فلور از خلال مکاتباتش". قلم. شماره ۹.
 رحیمی، مصطفی. (۱۳۹۳). "مادام بواری، نوشته گوستاو فلور". انتقاد کتاب. دوره دوم، اردیبهشت (۱۳۴۳).

<http://anthropology.ir/node/17816> ۱۳۹۳/۱۲/۰۶

رهدار، احمد. (۱۳۸۳). "تأثیر شرق‌شناسی بر تاریخ‌نگاری ایران معاصر". آموزه. شماره ۶: صص ۱۷۱-۲۲۸.
 ساجدی، طهمورث. (۱۳۸۲). "گی دو مو پاسان در ایران". پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۱۵: صص ۴۷-۶۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. ۹۴/۰۶/۲۴

<http://opac.nlai.ir/opac->

[prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1096862&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author](http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1096862&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author)

سپانلو، محمد علی. (۱۳۸۱). نویسندگان پیشرو ایران. تهران: نگاه.
 سلیمی، معصومه. (۱۳۹۳). "مطالعه تحول ایماژ زن از مادام بواری تا سالامبوی فلور". دانشگاه فردوسی مشهد.
 مشهد.

سیدحسینی، رضا. (۱۳۵۷). مکتب‌های ادبی. تهران: کتاب زمان.
 شهپرراد، کتابون؛ حسین زاده، آذین. (۱۳۸۴). مقابله و بررسی آثار ترجمه شده. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- صادقی زاده یزدی، فهیمه. (۱۳۹۱). "نقد ترجمهٔ "تربیت احساسات" اثر فلوبر از مهدی سحابی و سایرین". دانشگاه فردوسی مشهد.
- عظیمی، نازیبا؛ لاهوتی، پریسا. (۱۳۹۲). "طرح مفهوم مرگ به‌طور عینی و ضمنی در رمان مادام بواری". *مطالعات زبان و ادبیات فرانسه*. شماره ۸.
- فتوحی، محمود؛ صادقی، هاشم. (۱۳۹۲). "شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی". *جستارهای ادبی*. دوره ۴۶، شماره ۳: صص ۱-۲۶.
- فلوبر، گوستاو. (۱۳۸۰). *تربیت احساسات*. مهدی سحابی. تهران: مرکز.
- فلوبر، گوستاو. (۱۳۷۴). *سالامبو*. احمد سمعی گیلانی. تهران: خوارزمی.
- فلوبر، گوستاو. (۱۳۸۴). *مادام بواری*. محمد قاضی و رضا عقیلی. تهران: مجید.
- قدمی، فرید. (۱۳۹۱). "جعل نامه‌های فلوبر". *روزنامه آرمان*. ۶ خرداد.
- کمالی، محمد جواد. (۱۳۹۲). *تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی*. مشهد: معاونت پژوهش و فن آوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و انتشارات سخن گستر.
- کمالی دهقان، سعید. (۱۳۸۷). "نگاهی به تربیت احساسات نوشته گوستاو فلوبر: تولد نخستین رمان مدرن". *روزنامه اعتماد*. شماره ۱۷۰۴، ۱۳۸۷/۴/۱، ص ۱۱.
- کهنمویی پور، ژاله؛ خطاط، نسرین. (۱۳۷۴). *نقد ادبی (به زبان فرانسه)*. تهران: سمت.
- گلستان، ابراهیم. (۱۳۳۷). "از نامه‌های فلوبر". *صدف*. شماره ۱۰.
- گلشیری، احمد. (۱۳۹۱). *بهترین داستان‌های جهان*. تهران: عصرداستان.
- لوکاچ، گئورگ. (۱۳۸۸). *رمان تاریخی*. امید مهرگان. تهران: ثالث.
- معمدی، زهره. (۱۳۸۹). "بازتاب مفهوم شیطان در ادبیات نمایشی و تحلیل چند نمونه از آن". دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: فرهنگ نما.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. تهران: چشمه.
- نذری دوست، مسعود؛ گودرزی، سمیه. (۱۳۹۲). "زاویه دید و روایت مرگ در سه داستان فلوبر". *مطالعات زبان و ادبیات فرانسه*. شماره ۸.
- نقیبیان، آرش. (۱۳۸۸). "درنگی بر فلوبر و شاهکار ناتمامش بووار و پکوشه: چون خورشید که نابینایان را گرم می‌کند". *گلستانه*. شماره ۹۷: صص ۷۶-۷۷.

نوابی، داوود. (۱۳۸۸). تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

نوری، اصغر. (۱۳۹۰). نوشتن مادام بواری یا حماقت، هنر و زندگی. تهران: نیلوفر.

Bouty, Michel. (2001). Dictionnaire des 1 uvres et des thmes de la litt rature francaise. Paris : Hachette.

Champfleury, Jules. (2012). Le Réalisme. Paris: Hachette.

Flaubert, Gustave. (1984). Madame Bovary. Paris: Gallimard.

Flaubert, Gustave. (1984). Trois Contes. Paris: Larousse.

Forestier, Louis. (1987). Romans. Paris: Gallimard.

Lagarde, André et Michard, Laurent. (1965). Lagarde et Michard : XIXe siècle, Paris, Bordas.

